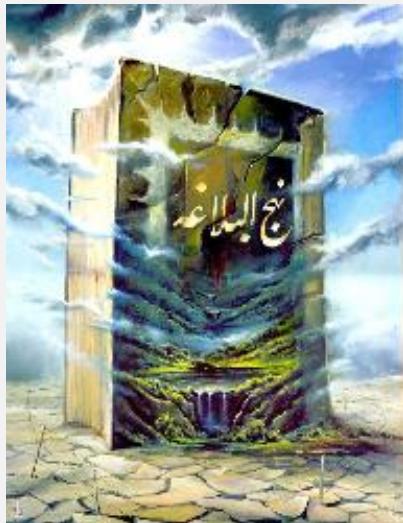


وصف دنيا از منظر امير مؤمنان علي (عليه السلام)

امير مؤمنان و قدوه پارسایان در سخناني که در کتاب گرانسنگ غرر و دُر نقل شده، بيش از سیصد بار با بیان های گوناگون



امير مؤمنان و قدوه پارسایان در سخناني که در کتاب گرانسنگ غرر و دُر نقل شده، بيش از سیصد بار با بیان های گوناگون چهره دنيا را ترسیم و آن را تحریر کرده و در سراسر نهج البلاغه با تعبیرهای ناخوشایند از آن یاد کرده است؛ چنان که فرمود: «عبدالله، أوصيكم بالرفض لهذه الدنيا التاركة لكم وإن لم تحبوا تركها، و المُبْلِية لاجسامكم وإن كنتم تحبون تجديدها، فإنما مثلكم و مثلكمَا كسفر سلكوا سبيلاً فكان لهم قد قطعوه، وأمّوا عَلَمًا فكان لهم قد بلغوه...»(1)؛ اي بندگان خدا! شما را به ترك دنيا سفارش میکنم. دنيا شما را رها میسازد، گرچه به ترك آن میل نداشته باشید. كالبهای شما را کهنه کرده میپوساند، اگر چه شما دوست دارید تازه بماند. داستان شما و دنيا همچون داستان مسافرانی است که به راهی میروند و گویا راه را به پایان رسانده و نشانهای را منظور خویش قرار داده و به آن رسیده اند... آیا در گذشتگان پدران شما عبرت و پندی نیست؟ آیا ندیدید که گذشتگان از شما باز نمیگردند؟ آگاه باشید، در هنگام شتاب به انجام کارهای رشت مرگ را به یاد آرید که لذت ها و خوشی ها را ویران میکند، و عیش ها را برهم میزنند و آرزوها را قطع میکند(1). به دنيا نظر کنید، مانند نگاه کردن کسانی که از آن اعراض و دوری جسته اند؛ زیرا به خدا سوگند دنيا به زودی ساکنش را دور میکند، و صاحب نعمت، دولت و امنیت را مصیبت زده و اندوهناک میسازد. چیزهایی که پشت کرده (همچون جوانی) باز نمیگردد و آنچه پس از این خواهد آمد نامعلوم است. خوشی آن به اندوه آمیخته، فوت، توانایی و جوانی مردان آن به ضعف و ناتوانی ویری میرسد. خدا رحمت کند مردی را که اندیشه کند و عبرت بگیرد و بینا شود که آنچه از دنيا باقی مانده به زودی نابود است و آنچه از آخرت موجود است زوال ناپذیر و همواره بوده است: «أنظروا إلى الدنيا نظر الزاهدين فيها، الصادفين عنها، فإنها والله عما قليل تُزيل الثواب الساكن... رحم الله امراً تفكّر فاعبر، و اعتبر فأبصر...»(2) امير بیان حضرت علي (عليه السلام) دنيا را به ماري نرم، خوش خط و حال و زیبا تشبيه میکند که در عین حال سم آن انسان را از پای درمیآورد. آن حضرت برای سلمان (عليه السلام) چنین مینگارد: «إنما مثَلُ الدُّنْيَا كمثل الحَيَاةِ: لِيَّنَ مَسْهَا، قاتِلُ سَمْهَا، فَأَعْرَضُ عَمَّا يَعْجِبُكَ فِيهَا، لَقْلَةٌ مَا يَصْحِبُكَ مِنْهَا...»(3)؛ اي سلمان دنيا مانند مار نرم اندامی است که زهرش کشته است. بنابراین، دوری گزین از آنچه تو را در دنيا شاد میگرداند، برای آن که از کالای آن اندکی (کفني) با توهمندی میماند، چنان که بهره تو نیز از دنيا کم خواهد بود و اندوههای آن را از خود دور ساز برای آن که به جدایی از آن و تغییر احوالش باورداری و هر وقت انس و خوی تو به دنيا بیشتر است از آن هراسانتر باش....